

شکاف زمین ، تمام بافت تاریخی شمال اصفهان را تهدید می کند

فرونشت علیه تاریخ!

زهرة توکلی

خبرنگار

وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در پایان سفرش به اصفهان و در بازدید از پل های تاریخی خواجو و سی‌وسه پل، خبر از بررسی موضوع فرسایش و فرونشست توسط یک تیم پژوهشی داد. سید عزت‌اله ضرغامی عنوان کرده که در بازدید از پل خواجو و سی‌وسه پل، وضعیت پایه‌های پل‌ها، طاق‌ها و کف آن بررسی و مقرر شد تا گروهی کارشناسی مساله فرسایش و فرونشست آنها را بررسی کند اما سرپرست معاونت میراث فرهنگی استان اصفهان در گفت و گو با «ایران» عنوان کرده که پدیده فرونشست در این استان موضوع تازه‌ای نیست و سال‌هاست با آن روبه‌رو هستیم.

سیدمهدی موسوی‌موحد می‌افزاید: فرونشست در شهر اصفهان، پدیده‌ای است که به دلیل وجود شواهد متقن، قابل انکار نیست اما صحبت‌هایی که آقای ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور به همراه کارشناسان ما در کنار پل خواجو داشتند، در فرصت زمانی اندک و در قالب بازدید انجام شده است لذا با این فرصت اندک نمی‌توان صحبت‌های کارشناسی و دقیقی را مطرح کرد، چون ترک‌های موجود روی این پل‌ها، چندین سال است که وجود دارد. البته دلیل هم نمی‌شود که چون چندین ساله بوده پس فرونشست را به دنبال نداشته باشد.

وی تصریح کرد: کل شهر اصفهان و به طور خاص شمال اصفهان، به سمت دشت اصفهان- برخوار که نزدیک می‌شویم پدیده فرونشست را در محدوده اکثر بناهای تاریخی اصفهان می بینیم. این پدیده بویژه در بناهایی نظیر مسجد سید، مسجد علی قلی آقا و در مجموع، کل بافت تاریخی موجود در قسمت شمالی شهر اصفهان وجود دارد.

موسوی‌موحد گفت: حدود یک و نیم سال است که یک تیم مشاور از سوی شهرداری اصفهان در حال بررسی گستره پدیده فرونشست در این شهر هستند و به تدریج آن، ما هم به طور مستمر در حال پایش و رصد هستیم تا ببینیم به چه نتیجه‌ای می‌رسیم.

وی با تأکید بر اینکه، انکارناپذیر است که سطح آب در دشت اصفهان پایین رفته و باعث پدیده فرونشست شده است، گفت: اتفاق فرونشست برای امروز و دیروز یا چند سال اخیر نیست بلکه فرونشست، پدیده‌ای است که در گذر زمان رخ می‌دهد. بسته بودن آب به روی زاینده رود و پایین رفتن سطح آب که بتدریج اتفاق می‌افتد، به مرور باعث بروز این پدیده می‌شود. موسوی‌موحد با بیان اینکه ممکن است پدیده فرونشست را از ۲۰ سال قبل داشته باشیم اما هم اکنون به طور خاص این پدیده قابل مشاهده و ملموس است، افزود: این پدیده سال‌ها قبل اتفاق افتاده اما هم اکنون اثرات آن را روی بناهای روی سطح زمین می‌گذارد. در حال حاضر بسیاری از خیابان‌های

بیبا میرعظمی

خبرنگار

دزفول شهر ملی کیوبافی است. روستای پامنار دزفول نیز خاستگاه اصلی هنر کیوبافی در ایران است. زنان دختران هنرمند این روستا با دستن جادویی، از برگ‌های نخل، کیو بافته و این هنر ماندگار را به شکل معجزه‌های زیبا و اصیل، خلق می‌کنند.

«هما شهی‌زاده» فعال صنایع‌دستی و یکی از بافندگان کیو در روستای پامنار به «ایران» می‌گوید: در زمان دزفولی، به سر یا کله و یا هر شیء، کروی یا چمباتمه زده «کیو» می‌گویند. بر همین اساس ظروف دردار کروی بافته شده «کیو» نامیده می‌شود. کیوها در اشکل مسطح، بیضی و دایره‌ای و به شکل سبد، گلدان، جادستمالی، میوه‌خوری و... بافته می‌شوند.

■ **دستان جادویی زنان پامنار**
به گفته شهی‌زاده، هنر کیوبافی در این روستا از سالیان بسیار دور وجود داشته و برخی از بزرگان، قدمت این هنر در پامنار را دست کم به ۲۵۰سال پیش نسبت می‌دهند. دختران این روستا در همان دوران کودکی همراه مادران خود کیوبافی را یاد می‌گیرند و از ۱۲سالگی به بعد نیز وارد این حرفه شده و پا به پای مادران خود کار می‌کنند، اما زنان و دختران این روستا

به‌رغم داشتن گواهینامه اختصاصی در حوزه کیوبافی، تحت پوشش بیمه قرار ندارند. ۱۰۰درصد جمعیت زنان و دختران این روستا به کیوبافی مشغولند. مردان نیز به صیادی در دریاچه سد دز مشغول بوده و با ماهیگیری گذران زندگی می‌کنند. البته مردان مسن که دیگر قادر به ماهیگیری نیستند، پا به پای زنان

روستا حصیریافی کرده و سفره و زینبیل می‌بافند. این فعال صنایع‌دستی می‌گوید: این هنر اصیل با پیچیدن برگ خرما به دور نی (کرتک) به شکل فتهلی‌ای بافته می‌شود. برگ خرمایی که در بافت کیو استفاده می‌شود از میان برگ‌های جوان درخت خرما انتخاب شده و به رنگ سفید است؛ چراکه هنوز در معرض نور خورشید قرار نگرفته است. برای بافت کیو، این برگ‌های جوان را به مدت یک روز در آب خیس کرده و سپس استفاده می‌کنند.

■ **مواد اولیه گران است!**

به گفته این بافنده، طرح‌های کیوها از قدیم‌الایام به‌صورت آجرنما بافته می‌شد، اما با گذشت زمان طرح‌های جدیدی ابداع شده و در شبکه‌های مجازی به اشتراک گذاشته می‌شود. من نیز طرح «بز کوهی» را از روی سنگ‌نوشته‌های دژی در اطراف روستا



شمال شهر، خانه‌های تاریخی و حتی خانه‌هایی که طی چند سال اخیر نیز ساخته شده است در یک ردیف همه ترک‌های مشخص می‌خورند و این قضیه کاملاً مشهود است. این وضعیت حتی در قیمت زمین‌های این منطقه تأثیر گذاشته است و با افت شدید مواجه شده‌اند. ■ **ترک‌های ۱۵ساله پل‌های تاریخی**
وی افزود: این ترک‌ها در پل خواجو و سی‌وسه پل کمتر است و خودش آسیب دیگری است.

■ یکشنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۹۳۵

۱۷

زیست بوم

«عبور از خشکسالی با مشارکت همگانی»

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان جنوبی گفت: شعار امسال روز جهانی مقابله با بیابان‌زدایی و خشکسالی «عبور از خشکسالی با مشارکت همگانی» نامگذاری شده است. یکی از پیامدهای ناشی از خشکسالی پرواز گرد و غبار و ریزگردها است که خراسان جنوبی نیز به علت دارا بودن مناطق خشک و بیابانی و همجواری با استان‌های خشک و کویری از جمله یزد، کرمان، سیستان و بلوچستان و همچنین



علیرضا نصر آبادی مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان جنوبی

افغانستان از این امر مستثنی است.

متأسفانه هم اکنون با شرایط تغییرات اقلیمی جهانی روبه رو هستیم و وقتی این اتفاق رخ می‌دهد به قطع نیازمند اقدامات منطقه‌ای و بین‌المللی هستیم و همه کشورها برای بهبود وضعیت باید دست به دست هم دهند. به‌عنوان مثال باید بررسی کرد که علت وجود کانون ریزگردها در کشورهایی همانند عراق، کویت، عربستان و... چه بوده است. همچنین در سطح ملی نیز هر کدام از ما به‌عنوان یک شهروند باید نسبت به محیط پیرامون خودمان حساسیت ویژه‌ای داشته باشیم و چنانچه فردی، جنگل را جهت کشاورزی یا ساخت وساز تخریب می‌کند بداند که سهمی در تخریب سرزمین و خطررود ریزگردها دارد. بنابراین باید آگاهی سازی‌های فردی به همراه همکاری‌های بین‌المللی باشد. همچنین سیاستمداران و برنامه‌ریزان کشوری اگر بجهت تولید انبوه، توسعه صنعت و معدن، اشتغال یا حتی تولید انبوه مسکن را مطرح می‌کنند به حتم باید حساسیت‌های عرصه‌های منابع طبیعی و زیست محیطی و ارزش‌های آب و خاک آن منطقه را در نظر بگیرند تا تصمیم درست و آینده‌نگارانه گرفته شود و به خاطر یک طرح کوتاه مدت آینده نسل‌های بعدی را به مخاطره نیندازند. نکته حائزاهمیت اینکه توسعه باید پایدار بوده و یکجانبه نباشد. یعنی جنگل‌هایی که چند هزار ساله است و با منطقه اخت پیدا کرده را به خاطر طرح‌های توسعه و صنعت و شهرسازی از بین نبرند. در واقع همه وزارتخانه‌ها از مسکن و شهرسازی گرفته تا صنعت و معدن و غیره باید نسبت به این موضوع حساسیت‌های ممتنی بر حفظ منابع طبیعی و آینده نگارانه داشته باشند. یکی از کانون‌های خشک و غبارخیز که جزو استان‌های رده اول در کشور محسوب می‌شود، خراسان جنوبی است که بر اساس آخرین مطالعات انجام شده از سوی ستاد ملی گرد و غبار، سطح جغرافیایی غبارهای استان حدود ۵ میلیون هکتار است که یک سوم سطح استان را در برمی‌گیرد.

فعال‌ترین کانون‌های بحرانی استان شامل ریگ ششرویه، حوان شهرستان طبس، سهل آباد شهرستان نهبندان، سه قلعه شهرستان سربایان و شاهرخت شهرستان زیرکوه است که در تولید گردوغبار در استان سهم بیشتری را دارند. البته سایر کانون‌های بحرانی فرسایش بادی نیز به‌صورت موقت و در فصول خاص در این خصوص نقش دارند که شاید جزو کانون‌های بحرانی نباشند منجمله دشت مرگ خراسان بیربند.

همچنین سطحی برابر ۴.۵ میلیون هکتار در کلیه شهرستان‌های استان تحت تأثیر فرسایش بادی قرار دارد که از این سطح، سطحی برابر ۲.۱ میلیون هکتار با توجه به خسارت فرسایش بادی به مناطق مسکونی، کشاورزی، صنعتی و زیرساخت‌های حیاتی استان به‌عنوان کانون‌های بحرانی فرسایش بادی شناسایی شده که این کانون‌ها در کلیه شهرستان‌های استان پراکنده است.

علت اصلی بیابان‌زایی در استان فعالیت‌های انسانی است که در کنار شرایط سخت محیطی منجمله خشکسالی و کاهش بارندگی ناشی از تغییر اقلیم باعث تشدید پدیده بیابان‌زایی نیز شده است. این فعالیت‌های انسانی شامل بهره‌برداری غیراصولی از آب‌های سطحی و زیرزمینی، بهره‌برداری غیراصولی از معادن، چرای مفرط مراتع خارج از ظرفیت چرایی و فصل مناسب و توسعه بی‌رویه کشاورزی و عدم توجه به دانش نوین در کشاورزی و بهره‌وری مناسب از آب در این بخش است که بخش اعظم آب استحصال شده از منابع زیرزمینی صرف این بخش می‌شود.

نکته حائزاهمیت این است که سابقه بیابان‌زدایی در کشور به سال‌های ۱۳۴۷ برمی‌گردد و در استان خراسان جنوبی با تشکیل اداره جنگل بانی در شهر بیربند در سال ۱۳۵۸ فعالیت‌های بیابان‌زدایی در استان شروع شده که عمده فعالیت‌های بیابان‌زدایی در شهرستان‌های نهبندان، سربیشه و زیرکوه بوده است. همچنین به غیر از نوار مرزی شرقی استان که علت اصلی گردوغبار ناشی از وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان ناشی از ارتفاعات کشور همسایه افغانستان است در دیگر بخش‌های استان طوفان‌های گردوغبار غالباً منشأ داخلی داشته و ناشی از اختلاف فشار روز و شب با همجواری با دو کویر بزرگ کشور (کویر مرکزی و کویر لوت) است که گردوغبار ایجاد شده بخش اعظم استان را فرا می‌گیرد. لذا با توجه به سطح بسیار زیاد کانون‌های بحرانی فرسایش بادی در استان و شرایط سخت محیطی در طول ۲۰ سال اخیر فعالیت‌های بیابان‌زدایی انجام شده در سطح استان نقش مؤثری در کاهش گردوغبار و طوفان‌های شن و ماسه در استان داشته و با توجه به وجود بالغ بر ۸۰۰ هزار هکتار جنگل دست کاشت طبیعی و دست کاشت تاخ در مناطق بحرانی فرسایش بادی در استان، مشکل ریزگرد در استان همانند سایر استان‌ها ملموس نبوده و این جای بسی خرسندی دارد و تلاش می‌شود در همین راستا با انجام فعالیت‌های اصولی و کارشناسی در قالب طرح‌های مصوب مدیریت مناطق بیابانی و مقابله با کانون‌های بحرانی فرسایش بادی، گام‌های مؤثری در کاهش آثار ناشی از حرکت‌شن‌های روان و طوفان‌های گردوغبار برداشته شود.

عمده فعالیت‌های بیابان‌زدایی و مقابله با کانون‌های بحرانی فرسایش بادی و ریزگرد در قالب پروژه‌های بیولوژیک و بیومکانیک در حال انجام است که در این خصوص می‌توان به اجرای بالغ بر ۷ هزار هکتار نهالکاری با گونه‌های مقاوم به خشکی و شوری خاک و همچنین بالغ بر ۸ هزار هکتار مراقبت و آبیاری عرصه‌های نهالکاری شده در کانون‌های بحرانی فرسایش بادی در سطح استان در سال‌های ۹۸ تا ۱۴۰۰ را نام برد. در سال ۱۴۰۱ نیز پروژه‌های مورد نظر به سازمان منابع طبیعی کشور پیشنهاد شده که امید است با تصویب این پروژه‌ها اقدامات بیابان‌زدایی در استان همانند سال‌های گذشته، از پیشرفت مناسبی برخوردار باشد.

آورد و بخشی از محصولات خود را به‌صورت اینترنتی به فروش رساندند.

■ **زنان کیوباف بیمه نیستند!**

یکی از دغدغه‌های اصلی «زهرا سازگار»، بیمه نشدن زنان روستای پامنار است. او می‌گوید: زنان هنرمند این روستا تحت‌پوشش بیمه قرار نداشته و تاکنون نیز هیچ ارگانی برای تحقق این امر اقدامی انجام نداده است. از طرفی میراث فرهنگی گاهی از اوقات تسهیلات وام‌هایی را برای زنان هنرمند در نظر می‌گیرد که البته آن نیز

بسیار اندک است. اگر با این وضعیت، زنان سرپرست خانوار روستا که تمام عمرشان را به پای کیوبافی گذاشته‌اند ۸۰سالگی رسیده و دیگر قادر به انجام کار نباشند، چگونه می‌توانند منبع درآمدی داشته باشند؟ آیا بدون بیمه می‌توانند گذران زندگی کنند؟ این زنان که سال‌ها چشم و گردن خود را به پای این هنر اصیل گذاشته‌اند، آیا با رسیدن به میانسالی بازمه می‌توانند روی کیوبافی حساب باز کرده و این منبع درآمد حادقلی را نیز از دست ندهند؟ بهتر است مسئولان مرتبط به این امر مهم توجه کرده و با بیمه کردن زنان هنرمند روستای پامنار، حداقلی از حمایت‌ها و قدردانی‌ها به پاس زنده نگه داشتن این هنر اصیل در استان خوزستان به عمل آورند.



این بافنده کیو به «ایران» می‌گوید: ۱۰۰درصد زنان و دختران روستای پامنار به کیوبافی مشغول بوده و آن را در اشکال مختلف نظیر جامیوه‌ای، گلدان، جانونی، آیکس، جاقاشقی، جابرنجی و... می‌بافند. زنان پامنار طرح‌های کیو را همانند یک نقاش از طبیعت الهام گرفته و در دست‌ساخته‌های خود پیاده می‌کنند. البته محصولات بافته شده امروز نسبت به ۱۰سال پیش بسیار متفاوت است؛ چراکه نوآوری و ابداع در تمامی بخش‌های این هنر اصیل موج می‌زند. به گفته این فعال صنایع‌دستی، با همه‌گیری کرونا بازار فروش کیو برای مدتی بشدت افت کرد و تا چندین ماه بعد از آن نیز کسب‌وکارهای این حوزه رونق خود را از دست داد. اما پس از آن مردم روستا به فروش آنلاین روی

است. به طور مثال ما حصیرها را

کیلویی ۳۰هزار تومان می‌خریدیم اما الان قیمت همان حصیرها به ۸۰هزار تومان رسیده است. از سوی دیگر، کمیابی حصیرها به گرانی مواد اولیه نیز دامن زده است؛ چراکه هم‌زمان با فصل میوه‌ه‌هی درختان، حصیر کمیاب شده و به تبع آن، قیمت نیز بالا می‌رود.

■ **طرح‌های زیبا با الهام از طبیعت**

«زهرا سازگار» یکی دیگر از فعالان صنایع‌دستی در روستای پامنار است که از ۶سالگی به بافت کیو علاقه نشان داده و این هنر اصیل را از مادرش آموخته است. وی در سن ۱۳-۱۲سالگی به طور کامل بافت کیو را یاد گرفته و حتی طرح‌های جدیدی نیز برای زیبایی بیشتر محصولات، ابداع کرده است.



استان

■ **ایستا- فرید جواهرزاده**، رئیس انجمن علمی طبیعت‌گردی ایران با اشاره به تعریف بیابان و کویر گفت: کلیه رونق اقتصادی در مناطق کویری توجه به گردشگری مبتنی بر بیابان و کویر است.

■ **ایرنا- علی بنی‌عگبه**، رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست اهواز گفت: دود غلیظ در برخی مناطق اهواز احتمالاً ناشی از آتش‌سوزی بخش‌هایی از تالاب هورالعظیم در کشور عراق است.

■ **ایستا- سعید شفیعیان**، سرپرست اداره حفاظت محیط‌زیست خواف گفت: این شهرستان به‌عنوان پایتخت هوبره ایران شهرت دارد.

حساسیت و توجه

جامعه محلی در خواف به ارزش‌های این پرند که همچون یوزپلنگ آسیایی در معرض خطر انقراض شناخته می‌شود، می‌تواند نجات‌بخش جمعیت این گونه باشد و از این لحاظ یک وظیفه

تاریخی بر دوش محیطبانان و مردم خواف قرار گرفته است. «هوبره» عروس دشت‌های ایران شناخته می‌شود و آگاهی و همکاری مردم در کنار محیطبانان مهم‌ترین مانع منفعت‌طلبی قاچاقچیان در برابر صید این پرند است.

خبر در خبر